

اثربخشی جلسات گروهی مصاحبه انگیزشی بر ارتقاء عزت نفس و خودکارآمدی زنان معتاد

سمیره دهقانی فیروزآبادی^۱، حامدقاسمی^۲، سعیده صفری^۳، علی اکبر ابراهیمی^۴، عدرا اعتمادی^۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۴/۰۲

چکیده

هدف: هدف از انجام این پژوهش بررسی اثربخشی مصاحبه انگیزشی بر عزت نفس و خودکارآمدی زنان معتاد در حال درمان بود. **روش:** تحقیق حاضر، شبه آزمایشی از نوع طرح پیش آزمون-پس آزمون با گروه گواه بود. جامعه مورد مطالعه، شامل تمامی زنان معتاد مراجعه کننده در تابستان ۱۳۹۱ برای ترک اعتیاد به مرکز بازتوانی کمپ اعتیاد آینده روشن شهر اصفهان بود، که تعداد ۳۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس به عنوان نمونه آماری انتخاب شده و به صورت تصادفی به دو گروه آزمایش و گواه (در هر گروه ۱۵ نفر) تقسیم شدند. جلسات مشاوره گروهی به سبک مصاحبه انگیزشی در طی هشت جلسه ۹۰ دقیقه‌ای بر روی گروه آزمایش اجرا شد. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه عزت نفس کوپراسمیت و خودکارآمدی عمومی استفاده شد. **یافته‌ها:** یافته‌ها نشان دهنده اثربخشی مصاحبه انگیزشی بود. **نتیجه‌گیری:** بر اساس یافته‌های این بررسی می‌توان نتیجه گرفت که مصاحبه انگیزشی توانسته در افزایش عزت نفس و خودکارآمدی افراد گروه آزمایش مؤثر واقع شود. **کلیدواژه‌ها:** مصاحبه انگیزشی، عزت نفس، خودکارآمدی، زنان معتاد

۱۴۵

145

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه اصفهان. پست الکترونیک: samiredehghani@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه اصفهان

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی دانشگاه اصفهان

۴. دانشجوی دکتری روان‌شناسی کودکان با نیازهای خاص

۵. دانشیار گروه مشاوره دانشگاه اصفهان

مقدمه

سوء مصرف مواد یکی از مهم ترین مشکلات عصر حاضر است که گستره‌ای جهانی پیدا کرده است. مصیبتی که میلیون‌ها زندگی را ویران و سرمایه‌های کلان ملی را صرف مبارزه و یا جبران صدمات ناشی از آن می‌کند. هر روز بر شمار قربانیان مصرف مواد افزوده می‌شود و عوارض آن شامل اختلالات جسمی، روانی، خانوادگی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی است که سلامت بشر را مورد تهدید قرار می‌دهد (کشوری، ۱۳۸۸). از نظر آسیب‌شناسی هر دارویی که بعد از مصرف چنان تغییراتی را در انسان به وجود آورد که از نظر اجتماعی قابل قبول و پذیرش نباشد و اجتماع نسبت به آن حساسیت یا واکنش نشان دهد آن دارو، مخدر است و کسی که چنین موادی را مصرف می‌کند معتاد شناخته می‌شود (آذر و نوحی، ۱۳۸۹). تصور اکثر افراد جامعه در مورد اعتیاد این است که مواد مخدر و سوء مصرف مواد عمدتاً پدیده‌ای مردانه است. در حالی که زنان هم، همپای مردان در معتاد شدن پیش می‌روند (ابراهیمی و فتاحی، ۱۳۸۳). در پژوهشی در سال ۱۳۷۶ سهم زنان از کل معتادان ۵ درصد بود در حالی که در سال ۱۳۸۰ به ۱۵ درصد افزایش یافت (نوروزی و نادری، ۱۳۸۴). اعتیاد زنان معضلی چند وجهی است و علل و عوامل متعددی نظیر علل فردی، خانوادگی و اجتماعی در بروز و اشاعه آن مؤثر است. از طرفی نیز آسیب‌های جبران ناپذیری را بر فرد، خانواده و جامعه وارد می‌سازد (قاسمی روشن، ۱۳۸۲). خادیمیان و قناعتیان (۱۳۸۷) از هم گسستگی خانواده زن و شوهری، از هم گسستگی خانواده پدر و مادری، نابسامانی خانواده زن و شوهری، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، در دسترس بودن مواد مخدر و اعتیاد اعضای خانواده را از عوامل مؤثر بر اعتیاد زنان به مواد مخدر عنوان کردند. بنابراین، خانواده اصلی‌ترین مرکز کنترل رفتار افراد است، که گاهی با آسیب پذیر شدن خود عاملی برای گرایش فرزندان به اعتیاد می‌شود (عزیزی، ۱۳۸۱). زنان معتاد در مقایسه با مردان معتاد در معرض خطر بیشتری برای ابتلا به مشکلات روانی هستند. عزت نفس پایین، خود کارآمدی پایین، کمبود قدرت‌های تطابقی در فرد برای مقابله با حوادث روزانه زندگی می‌تواند مقدمه ایجاد اعتیاد یا از نتایج اعتیاد باشد (شایگان، ۱۳۹۰). عزت نفس همان ارزیابی نفس است که بر طبق معیارهای فردی

خاص صورت می‌پذیرد. هر فرد نقش آن معیارها را در تعیین ارزش انسانی خود بسیار مهم تلقی می‌کند. زیاده روی در مصرف مواد و اعتیاد می‌تواند دلیل و پیامد از دست دادن عزت نفس باشد. در این شرایط پناه بردن به مواد مخدر تصمیمی غلط است، زیرا اگرچه در کوتاه مدت احساس بهتری در فرد به وجود می‌آورد، اما پیامدهای آن در بلند مدت معمولاً مسأله را وخیم تر می‌کند (آذر و نوحی، ۱۳۸۹). تئوری آسیب پذیری در مقابل قضاوت دیگران اعتقاد دارد هر فردی در مقابل نظرها و عقاید مردم آسیب پذیر است، مگر این که اعتقاد راسخی به توانایی و ارزش‌های خود داشته باشد. این گونه افراد محکوم به زندگی کردن به نحوی هستند که رضایت مردم را همواره جلب کنند. الکل و مواد مخدر اغلب برای این منظور استفاده می‌شوند که احساس خوب بودن زودگذر و آنی را نصیب وی کنند (آذر و نوحی، ۱۳۸۹). عزت نفس بالا موجب می‌شود تا افراد در زمان مواجه شدن با مشکلات زندگی و در زمان رویارویی با حوادث و بحران‌ها کمتر احساس ناتوانی و دلسردی کنند (مزلو^۱، ۲۰۰۰). به بیان ساده‌تر عزت نفس عبارت است از میزان ارزشی که فرد برای خود قایل است (کوپراسمیت^۲، ۱۹۹۴). افراد با عزت نفس ضعیف به سادگی تحت تأثیر محرک‌ها و محیط قرار می‌گیرند. رایت، رافورد و دل کاستیلو^۳ (۲۰۰۹) مهمترین عامل اعتیاد به مواد را سوءرفتارهای جسمی، جنسی و عاطفی در دوران کودکی می‌دانند. طرد شدن و مورد توهین و ناسزا قرار گرفتن در دوران کودکی باعث ایجاد حس بی‌ارزشی و بی‌کفایتی در دوران بزرگسالی می‌شود و منجر به کاهش اعتماد به نفس می‌شود، که این عوامل نقش مهمی در شروع اعتیاد دارند. در واقع، داشتن عزت نفس بالا برای یک خودآثرمندی سالم و قوی ضروری است. عزت نفس و خودکارآمدی بالا باعث افزایش تلاش، پشتکار و انگیزش فرد می‌شوند و از مؤثرترین عوامل تعیین کننده عملکرد افراد بویژه در کنترل، پایش و پیگیری برنامه‌های درمانی مددجویان وابسته به مواد مخدر است (حبیبی، صالح مقدم، طلایی، ابراهیم زاده، کریمی موفقی، ۱۳۹۰). خودکارآمدی اعتقاد فرد است که فرد به واسطه آن می‌تواند رفتار لازم برای رسیدن به یک هدف مورد نظر را به طور موفقیت آمیزی اجرا کند. چهار منبع اصلی

1. Maslow

2. Cooper Smith

3. Wright, Crawford & Del Castillo

داوری شخص درباره خود کارآمدی عبارتند از: تجربیات موفق قبلی، تشویق و ترغیب کلامی، تجربه‌های جانشینی و انگیزندگی فیزیولوژیکی (کمالی، ۱۳۸۴). در رابطه با تأثیر خود کارآمدی بر ترک دخانیات مطالعه‌ای با یک ماه پیگیری نشان داد که خود کارآمدپنداری اولین عامل پیش‌بینی کننده ترک سیگار است (بدر و مودی^۱، ۲۰۰۵). نتایج پژوهش نارگینگ^۲ و همکاران (۲۰۰۶) بر روی ۶۴ جوان ۱۶ تا ۲۵ ساله نشان داد که خود کارآمدی معتادان می‌تواند ۴۷ درصد از واریانس مصرف الکل و ۶۹ درصد مصرف ماری جوانا را پیش‌بینی کند. همچنین، در کسب حمایت‌های اجتماعی برای تغییر نیز مؤثر است. استرلینگ^۳ و همکاران (۲۰۰۷) مطالعه‌ای را تحت عنوان خود کارآمدی، اعتقادات و توجهات مرتبط با سیگار در شهر تگزاس انجام دادند، در این مطالعه مشخص شد که خود کارآمدی به طور مستقیم بر روی توجهات نسبت به سیگار اثر داشته و می‌تواند به عنوان یک راهکار مفید در پیشگیری از مصرف سیگار و همچنین در ترک سیگار به کار گرفته شود. احتمال می‌رود مؤثرترین درمان‌ها برای اعتیاد به مواد، درمان‌هایی باشد که خود کارآمدی را افزایش می‌دهند (مارک^۴، ۲۰۰۸). خود کارآمدی بالا با خود تنظیمی، خود راهبری استرس، عزت نفس بالا و بهزیستی بیشتر مرتبط است (کارادماس و ایوانجلس^۵، ۲۰۰۶). بنابراین، زمانی که بتوان خود کارآمدی افراد را افزایش داد می‌توان انتظار داشت که میزان انگیزش پیشرفت نیز افزایش پیدا کند. در مدل فرانظری تغییر، خود کارآمدی را می‌توان به ۲ طریق ارزیابی کرد: سطوح و سوسه مراجع برای مشغول شدن در یک رفتار مشکل‌زا و اعتماد مراجع به خود برای پرهیز از آن رفتار در مواجهه با آن و سوسه‌ها (ولاسکوئز، مارر، کروچ، دی کلمنته^۶، ترجمه ابراهیمی و محمدزاده، ۱۳۹۰). عزت نفس و خود کارآمدی از مؤلفه‌های تأثیر گذار بر عملکرد هستند و ظاهراً می‌تواند بر روحیه و انگیزه روانی انسان بیشترین تأثیر را داشته باشد و به افزایش بهره‌وری کمک کند. به طور کل، در سال‌های اخیر بیشتر به آن دسته از برنامه‌های درمانی توجه شده است که در آن‌ها موضوع انگیزه مراجع از اهمیت خاصی برخوردار بوده است (میلر

1. Badr & Moody 2. Naar-King 3. Sterling
4. Mark 5. Karademas & Evangelos 6. Velasquez, Marden, Crouch & Dclemente

و رالنیک^۱، ۲۰۰۲). معتادان به الکل و مواد مخدر اغلب درباره ترک اعتیاد خویش تردید دارند. این تردید و احساس دودلی باعث می‌شود معتادان به سرعت درصدد درمان برنیایند یا حتی هرگز به درمان خود نیندیشند. عده دیگری از معتادان نیز به این نتیجه می‌رسند که باید درمان شوند، اما خیلی زود از این فکر منصرف می‌شوند و فرایند درمان را رها می‌کنند. بسیاری نیز به طور جدی می‌کوشند که خود را تغییر دهند، اما پس از مدتی عهد و پیمان خویش را می‌شکنند و مصرف مواد را از سر می‌گیرند. همه این‌ها مشکلات مربوط به انگیزه و حفظ آن برای ترک اعتیاد است (توماس و دنیس^۲، ۱۹۹۹). متقاعدسازی مستقیم روشی مؤثر برای رفع احساس دودلی نیست، چراکه از یک سو باعث افزایش مقاومت مراجع می‌شود و از سوی دیگر احتمال تغییر را کم می‌کند (میلر و رالنیک، ۲۰۰۲). همیشه این طور بوده است که درمانگران بالینی مراجعانی را که انگیزه ترک اعتیاد را از دست می‌دهند مقصر بدانند. به عبارت دیگر، وقتی مراجعی پیش از اتمام درمان از ادامه شرکت در آن سر باز می‌زند این گرایش دیده می‌شود که مراجع را مقصر می‌دانند نه برنامه درمان را. اما به تازگی معلوم شده است که برنامه‌های درمانی انعطاف ناپذیر به این مشکل دامن می‌زنند و یکی از هدف‌های روشن درمان روانی - اجتماعی باید افزایش انگیزه مراجع باشد (میلر و رولنیک، ۲۰۰۲). مصاحبه انگیزشی شیوه‌ای است که بیشترین تأثیر را در ایجاد انگیزه برای درمان معتادان یا تغییر رفتار آنان داشته است (قربانی، ۱۳۸۴). مصاحبه انگیزشی نه یک الگوی مداخله‌ای کاملاً جدید و نه یک الگوی مجزاست، بلکه ترکیبی از اصول و فنون برگرفته شده از مجموعه‌ای از مدل‌های بسیار گسترده روان درمانی و تغییر رفتار است (کاکس و کلینگر^۳، ۲۰۰۴). یکی از اصول مهم مصاحبه انگیزشی، توانمندسازی است. یعنی کمک به بیمار در زمینه کشف این مطلب که چگونه می‌تواند در وضعیت سلامتی خود تغییری ایجاد کنند. در مصاحبه انگیزشی اصل حمایت از خود کارآمدی مراجع شامل موارد زیر است: الف) اعتقاد به امکان تغییر یک مشوق مهم برای تغییر است. ب) مسئولیت انتخاب و انجام تغییر برعهده خود مراجع است نه مشاور ج) امید داشتن در درمان جایگزین مناسبی برای رویکردهای درمانی معتبر است

(رولنیک، میلر، بوچلر^۱، ۱۳۸۹). اخیراً مطالعات فراتحلیل متعددی درباره مصاحبه انگیزشی انجام شده است. تحلیل‌ها نشان می‌دهد که روش مصاحبه انگیزشی نسبت به آموزش و توصیه‌های درمانی سنتی در دامنه بسیار وسیعی از مشکلات روان‌شناختی و بیماری‌های جسمانی برتری دارد. نتایج نشانگر آن است که مصاحبه انگیزشی اندازه اثری بین حداقل ۰/۲۵ تا ۲/۱۷ دارد. در این بین مصاحبه انگیزشی حتی در قالب مصاحبه‌های کوتاه مدت ۱۵ دقیقه‌ای هم مؤثر است (نویدیان، ۱۳۸۸).

به‌رغم جذابیت و رشد بسیار سریع کاربرد مصاحبه انگیزشی در جهان و سرایت آن به حوزه‌های مختلف سلامت، در ایران بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد تحقیقات انجام شده در این حوزه بسیار اندک است. با توجه به تفاوت در وسعت تحقیقات انجام شده و نظر به نبودن کاربرد مصاحبه انگیزشی در ایران، مطالعه حاضر بر آن است تا کاربرد و تأثیر این روش را در ارتقاء عزت نفس و خودکارآمدی زنان معتاد مورد آزمون قرار دهد.

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

در این مطالعه روش پژوهش از نوع شبه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون همراه با گروه گواه بود. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی زنان معتاد مراجعه‌کننده در تابستان ۱۳۹۱ برای ترک اعتیاد به مرکز بازتوانی کمپ اعتیاد آینده روشن شهر اصفهان بود. انتخاب نمونه از جامعه آماری به روش نمونه‌گیری در دسترس صورت گرفت. به این ترتیب که تعداد ۳۰ نفر انتخاب و به تصادف به دو گروه آزمایش و گواه تقسیم شدند. لازم به ذکر است که در طی پژوهش از تعداد ۳۰ نفر در هر دو گروه آزمایش و گواه ۴ نفر ریزش وجود داشت که علت آن ترخیص افراد مورد نظر بود. بنابراین، تعداد افرادی که نمراتشان مورد محاسبه قرار گرفت به ۲۶ نفر رسید.

ابزار

۱- پرسشنامه عزت نفس کوپراسمیت: این پرسشنامه دارای ۵۸ گویه است که ۸ گویه تای آن (شماره‌های ۶-۱۳-۲۰-۲۷-۳۴-۴۱-۴۸-۵۵) دروغ‌سنج است و ۵۰ گویه

باقی‌مانده به ۴ حیطه عزت نفس کلی، عزت نفس اجتماعی، عزت نفس خانوادگی و عزت نفس تحصیلی تعلق دارند. پاسخ به گزینه‌ها بلی و خیر است. شیوه نمره‌گذاری این مقیاس به صورت صفر و یک است. بنابراین، حداقل نمره صفر و حداکثر آن پنجاه است. افرادی که در این آزمون بیشتر از میانگین نمره بگیرند دارای عزت نفس بالایی هستند. روایی آزمون در موارد متعدد بررسی شده و مورد تأیید قرار گرفته است. کوپراسمیت و همکاران (به نقل از نیسی و شهنی ییلاق، ۱۳۸۱) اعتبار این پرسشنامه را به روش باز آزمایی ۰/۸۸ گزارش کردند. همچنین، اعتبار پرسشنامه در پژوهش شهنی ییلاق، شکرکن، میکائیلی و حقیقی (۱۳۸۶) با دو روش تصنیف و آلفای کرونباخ بین ۰/۷۳ تا ۰/۹۱ به دست آمد.

۲- پرسشنامه خودکارآمدی عمومی: این ابزار یک پرسشنامه شناخته شده و معتبر است که بارها در سراسر جهان و ایران مورد استفاده قرار گرفته و روایی و اعتبار آن مورد تأیید متخصصان است. حسینی نسب، احمدیان و روان بخش (۱۳۸۷) روایی این پرسشنامه را از طریق روایی محتوا و نظر متخصصان و اعتبار این پرسشنامه را از طریق آلفای کرونباخ به میزان ۰/۸۲ گزارش کردند. روایی ملاکی آن نیز از طریق همبستگی با «مسند مهار گذاری درونی راتر» برابر با $r=0/34$ به دست آمده که در سطح ۰/۰۱ معنادار است. این پرسشنامه شامل ۱۷ سؤال است و پاسخ‌ها به صورت پنج گزینه‌ای و با استفاده از مقیاس لیکرت کاملاً مخالف تا کاملاً موافق انجام می‌شود. نمرات این پرسشنامه نیز بین ۱۷ تا ۸۵ است. در پژوهش حاضر ضریب اعتبار پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ ۰/۸۸ به دست آمده است.

روش اجرا

نحوه‌ی اجرای پژوهش به این صورت بود که ابتدا به همه‌ی افراد اعم از گروه آزمایش و گواه پرسشنامه عزت نفس و خودکارآمدی به عنوان پیش‌آزمون داده شد. سپس جلسات مشاوره گروهی مبتنی بر مصاحبه انگیزشی در طی ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای بر روی گروه آزمایش اجرا شد. در حالی که گروه گواه آموزش خاصی در این زمینه دریافت نکردند. در نهایت، از دو گروه پس‌آزمون به عمل آمد و داده‌ها مورد تحلیل آماری قرار گرفت.

ساختار جلسات مصاحبه انگیزشی از کتاب گروه‌درمانی برای سوء مصرف کنندگان مواد (راهنمای درمان مبتنی بر مراحل تغییر) از ولاسکوئز و همکاران با ترجمه ابراهیمی و محمدزاده (۱۳۹۰) استخراج شد. ساختار جلسات و محتوای هر جلسه در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: ساختار و محتوای جلسات مصاحبه انگیزشی

| جلسات | محتوا |
|-------|---|
| اول | آشنایی: معارفه، هنجارها و فرایندهای گروه، معرفی رویکرد انگیزشی، معرفی مراحل تغییر، انجام تمرین مرحله‌بندی |
| دوم | توصیف یک روز زندگی: توصیف روزانه مصرف مواد و آگاهی از کمیت آن، اثرات فیزیولوژیک الکل و مواد اجرای آزمون شناخت اختلالات مصرف الکل و سیاهه غربالگری مواد |
| سوم | انتظارات: به بحث گذاشتن انتظارات معنادار از مصرف الکل و مواد |
| چهارم | اعتماد به نفس و وسوسه: شناخت برانگیزاننده‌ها، شناخت موقعیت‌های مطمئن، مقایسه وسوسه و اعتماد |
| پنجم | پاداش به موفقیت‌ها: تشخیص موفقیت‌های فعلی، خلق ایده‌هایی برای پاداش به خود |
| ششم | امتناع مؤثر: شناخت مصرف کننده‌های فعلی، تمرین امتناع کردن از تعارف کننده مواد، اجرای تکنیک ایفای نقش |
| هفتم | کنترل وسوسه و امیال: بحث در مورد روش‌های کنترل وسوسه و امیال، روش‌های جدید لذت بردن از زندگی و ایجاد فعالیت‌های جایگزین |
| هشتم | تعهد مجدد بعد از یک لغزش: شناخت روش‌های مفید در گذشته برای تغییر مصرف مواد، بحث در مورد نظرات مربوط به چیزهایی که بعد از یک لغزش باید انجام داد، خلاصه و جمع بندی |

یافته‌ها

آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرهای دموگرافیک به تفکیک گروه در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۲: آماره‌های توصیفی متغیرهای دموگرافیک به تفکیک گروه

| گروه | سن | تحصیلات | مدت مصرف | وضعیت تاهل |
|--------|-------|----------------|----------|--------------------------|
| آزمایش | ۱۸-۲۹ | بی‌سواد-لیسانس | ۱۰-۲ سال | ۱۰ نفر متاهل، ۵ نفر مجرد |
| گواه | ۱۸-۳۰ | بی‌سواد-لیسانس | ۱۰-۴ سال | ۸ نفر متاهل، ۷ نفر مجرد |

آماره‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه به تفکیک نوع آزمون و گروه در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۳: آماره‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه به تفکیک نوع آزمون و گروه

| متغیرها | گروه‌ها | تعداد | میانگین | انحراف استاندارد |
|------------|-----------|-----------|---------|------------------|
| خودکارآمدی | آزمایش | پیش آزمون | ۵۱/۳۷ | ۶/۶۷ |
| | پس آزمون | ۶۵/۳۷ | ۱۲/۲۱ | |
| گواه | پیش آزمون | ۴۶/۳۷ | ۸/۸۳ | |
| | پس آزمون | ۴۸/۲۵ | ۹/۰۵ | |
| عزت نفس | آزمایش | پیش آزمون | ۲۲/۲۷ | ۹/۹۹ |
| | پس آزمون | ۳۱/۸۷ | ۷/۹۵ | |
| گواه | پیش آزمون | ۱۹/۵۰ | ۳/۸۱ | |
| | پس آزمون | ۱۹/۷۵ | ۳/۶۱ | |

برای بررسی اثربخشی مداخله بر عزت نفس از تحلیل کواریانس به شرح زیر استفاده شد.

جدول ۴: نتایج تحلیل کواریانس مربوط به تأثیر مصاحبه انگیزشی بر افزایش عزت نفس زنان معنادار

| منابع تغییرات | مجموع مجذورات | درجه آزادی | میانگین مجذورات | آماره F | معناداری | مجذوراتا | توان آماری |
|---------------|---------------|------------|-----------------|---------|----------|----------|------------|
| پیش آزمون | ۲۱۰/۵۰ | ۱ | ۲۱۰/۵۰ | ۸/۴۴۰ | ۰/۰۹ | ۰/۸۵ | ۰/۹۵ |
| اثر مداخله | ۴۱۵/۶۸ | ۱ | ۴۱۵/۶۸ | ۱۶/۶۸۰ | ۰/۰۰۱ | ۰/۹۶ | ۱/۰۰ |

همان گونه که در جدول فوق ارایه شده است، نتایج حکایت از آن دارد که مصاحبه انگیزشی توانسته بر افزایش عزت نفس زنان معنادار موثر واقع شود ($P < 0/001$)، $F=16/680$). میزان تأثیر این مداخله بر افزایش عزت نفس زنان $0/96$ است، یعنی 96% درصد از واریانس نمرات کل باقی مانده، مربوط به تأثیر مداخله‌ی درمانی است. برای بررسی اثربخشی مداخله بر خودکارآمدی از تحلیل کواریانس به شرح زیر استفاده شد.

جدول ۵: نتایج تحلیل کواریانس مربوط به تأثیر مصاحبه انگیزشی بر خودکارآمدی زنان معنادار

| منابع تغییرات | مجموع مجذورات | درجه آزادی | میانگین مجذورات | آماره F | معناداری | مجذوراتا | توان آماری |
|---------------|---------------|------------|-----------------|---------|----------|----------|------------|
| پیش آزمون | ۵۰/۹۱ | ۱ | ۵۰/۹۱ | ۱۷/۰۴ | ۰/۱۰ | ۰/۹۰ | ۰/۷۸ |
| اثر مداخله | ۸۹/۵۱ | ۱ | ۸۹/۵۱ | ۲۶/۵۰ | ۰/۰۰۰۵ | ۱/۰۰ | ۰/۹۶ |

همان گونه که در جدول فوق ارایه شده است، نتایج حکایت از آن دارد که مصاحبه انگیزشی توانسته بر افزایش خودکارآمدی زنان معتاد موثر واقع شود ($P < 0/001$)، $(F=26/500)$.

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش با هدف بررسی اثربخشی جلسات گروهی مصاحبه انگیزشی بر ارتقاء عزت نفس و خودکارآمدی زنان معتاد انجام شد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که در مرحله پیش آزمون، بیشتر افراد معتاد عزت نفس و خودکارآمدی پایینی داشتند، اما پس از شرکت در جلسات گروهی مصاحبه انگیزشی، تفاوت معناداری بین عزت نفس و خودکارآمدی زنان معتاد نسبت به مرحله پیش آزمون ایجاد شد؛ یعنی عزت نفس و خودکارآمدی گروه آزمایش به طور چشمگیری نسبت به پیش آزمون و نسبت به گروه کنترل افزایش یافت. نتایج این پژوهش با پژوهش نویدیان (۱۳۸۸) در زمینه اثربخشی مصاحبه انگیزشی بر افزایش خودکارآمدی سبک زندگی مربوط به وزن همسو است. همچنین، مطالعه هتاما، استیل و میلر^۱ (۲۰۰۵) در زمینه اثربخشی مصاحبه انگیزشی در حوزه‌های مصرف سیگار و دخانیات، ایدز، سوء مصرف مواد، پذیرش درمان، روابط نزدیک و صمیمی، اختلال‌های خوردن، رژیم غذایی و فعالیت بدنی تأییدی بر نتیجه پژوهش حاضر است. بنابراین، نتایج پژوهش حاضر در مورد اثربخشی مصاحبه انگیزشی بر ارتقاء عزت نفس و خودکارآمدی زنان معتاد، نشان می‌دهد که تلاش برای درمان بدون در نظر گرفتن بحث انگیزش کافی نیست. چراکه اغلب معتادان بیشتر از این که دارای مقاومت یا اراده ضعیف باشند، در مورد تصمیم‌گیری در زمینه تغییر، احساس دوگانه‌ای دارند. در عین حال مصاحبه انگیزشی توجه خاصی به این نکته معطوف می‌دارد که چگونه می‌توان به بیمار کمک کرد تا خود در مورد تغییر رفتار تصمیم بگیرد. انگیزه برای تغییر کاملاً انعطاف‌پذیر و متغیر است و به صورت خاص در بستر ارتباطات شکل می‌گیرد. شیوه‌ای که با فرد معتاد در زمینه سلامتی آن‌ها بحث می‌شود، به طور جدی بر انگیزه شخصی آنان برای تغییر تأثیر می‌گذارد. هیچ فردی برای تغییر صددرصد بی‌انگیزه

نیست. همه امیال، اهداف و آرزوهایی دارند. پس می‌توان با ایجاد تفاوتی کوچک، تأثیر و نفوذ طولانی مدت تری برای سلامتی آنان بر جای گذاشت. البته این نکته حایز اهمیت است که انگیزه واقعی تغییر از طریق درکی که فرد به طور آزادانه از روند مرحله عمل به دست می‌آورد افزایش می‌یابد. پژوهش‌ها پیرامون مساله اعتیاد و ارایه راهکارهای درمان غیردارویی اعتیاد از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. یک تحقیق مقایسه‌ای بین آموزش سنتی و رفتاری در بهبود پابندی به برنامه مراقبت‌های بهداشتی-درمانی نشان داد که وقتی اطلاعات به تنهایی ارائه شوند میزان موفقیت ۶۴٪ و وقتی رویکرد مشارکتی با استفاده از راهبردهای رفتاری و انگیزشی ارائه می‌شود میزان موفقیت به ۸۵٪ می‌رسد (گانس^۱، ۲۰۰۷). مصاحبه انگیزشی به جای یک مکتب درمانی، بیشتر یک شیوه برخورد و زندگی با دیگران است. مصاحبه انگیزشی و دیگر انواع روان‌درمانی‌ها از این نظر که مقاومت و دوسوگرایی را به عنوان پدیده‌ای می‌دانند که اطلاعات مهم درمانی را در اختیار می‌دهند با هم مشترکند، ولی از نظر نوع اطلاعات مهم دانسته شده و نحوه برخورد با آن متفاوتند (رولنیک و همکاران، ۱۳۸۹). ماهیت مصاحبه انگیزشی بر شناسایی و بسیج کردن ارزش‌های اصلی مراجع با هدف تغییر رفتار استوار است. نتیجه برقراری ارتباط عاطفی با شرکت‌کنندگان و ارتقاء توانمندی‌های آن‌ها افزایش خودآگاهی، افزایش عزت نفس و افزایش خودکارآمدی را به دنبال دارد.

در جریان انجام این پژوهش تا حد امکان سعی شد از پرتگاه‌هایی که امکان داشت ذهن مشاور را در جریان مصاحبه انگیزشی منحرف کند و مقاومت بیشتر مراجع را به دنبال داشته باشد، دوری شود. برخی از این متغیرها عبارت بودند از: رویارویی، انکار، سوال-جواب، جانبداری از یک مشکل با نیت خیرخواهانه، تخصص‌گرایی، برچسب زدن، تمرکز زود هنگام بر موضوع تغییر و سرزنشگری. با توجه به افزایش مشکل اعتیاد در زنان توجه خاص به این گروه از جامعه و حساس‌تر شدن هر چه بیشتر مسوولان پیشگیری و درمان برای پیش‌بینی برنامه‌های اختصاصی و مستندسازی آن‌ها از اهمیتی خاص برخوردار است. از جمله محدودیت‌های این پژوهش تعداد کم نمونه آماری، عدم امکان هم‌تکرار شرکت‌کنندگان

گروه آزمایش و کنترل از نظر سطح اعتیادپذیری و نوع نگرش نسبت به مصرف مواد قبل از اجرای برنامه مداخله‌ای و عدم امکان مطالعات پیگیری بود. همچنین، انجام این تحقیق تنها در یک مرکز بازتوانی، تعمیم پذیری نتایج را با محدودیت مواجه می‌کند. بنابراین، در رابطه با اثربخشی مداخله مورد نظر پیشنهاد می‌شود در نمونه‌های وسیع‌تر و در هر دو جنس برای ارزیابی تأثیر جنسیت بر مداخله مورد نظر پژوهش‌هایی صورت گیرد.

منابع

- آذر، ماهیار و نوحی، سیما (۱۳۸۹). *دایره المعارف اعتیاد و مواد مخدر*. چاپ دوم. تهران: انتشارات ارجمند
- ابراهیمی، سیدمحمد و فتاحی، مژده (۱۳۸۳). آسیب شناسی اعتیاد زنان. *نشریه اصلاح و تربیت*، ۱۱۳، ۸-۳
- حبیبی، رحیم؛ صالح مقدم، امیررضا؛ طلایی، علی؛ ابراهیم زاده، سعید و کریمی مونقی، حسین (۱۳۹۰). بررسی تأثیر آموزش حل مسئله تعدیل شده با رویکرد خانواده محور، بر میزان عزت نفس مددجویان وابسته به مواد مخدر. *مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد*، ۱۵(۱)، ۵۶-۵۲
- حسینی نسب، سید داوود؛ احمدیان، فاطمه؛ روان بخش، محمدحسین (۱۳۸۷). بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری با خودکارآمدی و سلامت روانی دانش آموزان. *مطالعات تربیتی و روان شناسی*، ۹(۱)، ۲۱-۳۷
- خادمیان، طلیعه و قناعتیان، زهرا (۱۳۸۷). *بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر اعتیاد زنان معتاد به مواد مخدر و مراکز بازپروری و کاهش آسیب زنان شهر تهران*. پژوهش نامه علوم اجتماعی، ۲(۴)، ۸۵-۵۹
- رولنیک، استفن؛ میلر، ویلم آر؛ بوچلر، کریستوفرسی (۱۳۸۹). *مصاحبه انگیزشی در مراقبت‌های بهداشتی درمانی (کمک به تغییر رفتار بیماران)*. ترجمه علی نویدیان، سیداحمد احمدی، نورمحمد بخشانی و حمیدپورشریفی. مشهد: انتشارات سخن گستر
- شایگان، اسحاق (۱۳۹۰). تأثیر اعتیاد زنان باردار بر جنین و نقش پلیس زن در درمان آنان. *مجله جامعه شناسی و علوم اجتماعی پلیس زن*، ۱۴، ۴۰-۳۲
- شهنی بیلاق، منیجه؛ میکائیلی، نیلوفر؛ شکرکن، حسین؛ حقیقی، جمال (۱۳۸۶). بررسی شیوع کودک آزاری و پیش بینی این متغیر از طریق سلامت عمومی والدین، سازگاری، عزت نفس و عملکرد تحصیلی دانش آموز و متغیرهای جمعیت شناختی در دانش آموزان دختر آزار دیده و عادی دوره راهنمایی شهر اهواز. *مجله علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*، ۳(۴)، ۱۶۷-۱۹۴
- عزیزی، عبدالرضا (۱۳۸۱). *خصوصیات فردی و محیطی معتادین*. قم: انتشارات امید
- قاسمی روشن، ابراهیم (۱۳۸۲). از اعتیاد زنان تا ناسامانی خانواده. *فصلنامه کتاب زنان*، ۲۲، ۱۵۱-۱۳۰.

قربانی، مجید (۱۳۸۴). مقدمه‌ای بر مصاحبه انگیزشی: رویکردی نوین در درمان معتادان. تهران: انتشارات

ملل

کشوری، احمد (۱۳۸۸). اعتیاد از میکاه تا ماتمکده. تهران: انتشارات سمیع

کمالی، محمود (۱۳۸۴). بررسی نقش کارآمدی معلم، منابع اطلاعات خود-کارآمدی و ویژگی شخصی در خودکارآمدی ریاضی و عملکرد ریاضی دانش آموزان پایه سوم راهنمایی شهر یزد. پایان نامه دکتر، چاپ نشده، دانشگاه تربیت معلم.

نوروزی، رضا و نادری، شهرام (۱۳۸۴). راهنمای جامع درمان اعتیاد. تهران: انتشارات خلوص.

نویدیان، علی (۱۳۸۸). اثربخشی مشاوره انگیزشی گروهی بر رفتار و عملکرد مراجعان مبتلا به اختلال سواسی-جبری، پرفشاری خون و اضافه وزن و چاقی، پایان نامه دکترای مشاوره، چاپ نشده، دانشگاه اصفهان

نیسی، عبدالکاظم و شهنی، بیلاق (۱۳۸۱). تأثیر آموزش ابراز وجود، عزت نفس، اضطراب اجتماعی و بهداشت روانی دانش آموزان پسر مضطرب اجتماعی دبیرستانی شهرستان اهواز. مجله علوم تربیتی و روان شناسی، ۱(۱ و ۲)، ۳۰-۱۱

ولاسکوئز، مری ماردن؛ گادی مارر، گابیلین؛ کروج، کتی و دی کلمنته، کارلوس (۲۰۰۱). گروه درمانی برای سوء مصرف کنندگان مواد (راهنمای درمان مبتنی بر مراحل تغییر). ترجمه علی اکبر ابراهیمی و محمود محمدزاده. اصفهان: انتشارات کنکاش.

Badr, H. E & Moody, P. M. (2005). Self-Efficacy: A Predictor for Smoking Cessation Contemplators in Kuwaiti Adults. *International journal of behavioral medicine*, 12(4), 273-277.

Cooper Smith, S. (1994). *Index Self Esteem Dadsetan*. Paryrokh Translation.p.534.

Cox, W.M & Klinger, E. (2004). *Handbook of motivational counseling: concepts, approaches, and assessment*. New York, John Wiley & Sons, p. 265-80.

Gance, B. (2007). Motivational interviewing: Improving patient education. *Journal of pediatric Health care*, 21, 81-88

Hettema J, Steele J, Miller WR. (2005). Motivational interviewing. *Annual Review of Clinical Psychology* .1, 91-111.

Karademas, C. Evangelos. (2006). Self efficacy, social support and well being the mediating role of optimism. *Personality and Individual Differences*, 40, 1281-1290

Mark, A. L. (2008). Weight reducing for treatment of obesity –associated hypertension Nuance and challenges. *current Hypertension Report*, 9, 368-372

Maslow, A.H. (2000). *Self Actualization and Beyoud in G.F.T. challenges of Humanistic psychology*. New York, Mc Graw press.

Miller, W. R & Rollnick, S. (2002). *Motivational interviewing: Preparing people for change*. 2nd ed. New York: Guilford.

Naar-King, S., Wright, K., Parsons, J.T, Frey, M., Templin, T., Ondersma., S. (2006). *Transtheoretical Model and substance use in HIV-positive youth. AIDS Care*, 18(7), and 839-45.

- Sterling, K.L, Diamond, P.M, Mullen, P.D, Pallonen, U, Ford, K.H, McAlister, A. (2007). Smoking-related self-efficacy, belief and intention: assessing factorial validity and structural relationships in 9th-12th grade current smokers in Texas, *Addictive Behaviors*, 32(9), 1863–1876.
- Thombs, L, Dennis. (1999). *Introduction to addictive Behavior*. SE2, the Guilford Press.
- Wright, M.O, Crawford, E, Del Castillo, D. (2009). Childhood emotional maltreatment and later psychological distress among college students: the mediating role of maladaptive schemas. *Child Abuse & Neglect*, 33, 59-68.